

LETTER TO EDITOR

نگرشی بر مقاله "بازتاب تصویر های ادبی در متون پزشکی"

An Attitude to the Paper "The Impact of Literal Images in Traditional Medical Texts"

Ahmad A. Muris¹

1- Museum and Historical Documents Center, Shiraz University of Medical Sciences,
Shiraz, Iran

Correspondence: Ahmad A. Muris; Museum and Historical Documents Center, North
Ghaani Street, Shiraz, Iran; asnad@sums.ac.ir

Received: 15 Jul 2012; Accepted: 21 Jul 2012; Online published: 25 Jul 2012
Research on History of Medicine/ 2012 Aug; 1(3): Epub ahead of print

احمد علی موریس^۱

۱- مرکز اسناد و موزه پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: احمد علی موریس، ایران، شیراز، خیابان

قآنی شمالی، مرکز اسناد و موزه پزشکی؛

asnad@sums.ac.ir

1- Abdollahi, 2012; 41-6.

سر دبیر محترم

در خصوص مقاله "بازتاب تصویر های ادبی در متون پزشکی" که توسط فرهیخته گرامی سرکار خانم دکتر منیژه عبدالهی به نگارش درآمده^۱ نکاتی چند قابل اشاره آمد که در این فرصت کوتاه به آن پرداخته می شود.

در مقدمه مقاله که در آن جملات "ادراک عمیق جهان هستی" و "نفوذ به لایه های درون تر و رسیدن به ژرفای جهان و شناوری در ذات جهان هستی" مباحث دقیقی است که در ساحت حکمت و فلسفه به آن پرداخته می شود و بیشتر دارای بار عقلانیت و استدلال می باشد در صورتیکه در مقاله مذکور با دیدگاه ادیبانه تعریف گردیده است لذا تعاریف حاصله نیاز به بازنگری دارد برای مثال می توان به جملاتی همچون "تخیل یعنی قابلیت دریافت بی واسطه هستی"، عبارت "در جهان انسانی هر موجودی در طبیعت همان موجود است و چیزی بیشتر" و همچنین جمله "یکی از تجربه ترین علوم بشری یعنی پزشکی نیز تا چه حد درگیر هنر و تخیل بوده است" اشاره نمود.



در بحث و بررسی مقاله نیز عباراتی همچون "تخیل یعنی قابلیت دریافت بی واسطه و ..."، که در آن تعریفی از تخیل ارائه شده است جای تأمل دارد زیرا در فرایند تخیل صور ادراکی اعم از صور کلیه و جزئیه واسطه ادراک عالم خارج از ذهن در انسان می باشد که در آثار ملاصدرا در بحث تمثیل و تخیل و همچنین در کتب منطق صوری و روان شناسی به آن پرداخته شده است² پس تخیل قابلیت دریافت با واسطه هستی می باشد لذا در جمله "نشان دادن این گونه دریافت شهودی و خیالی انگیز" دریافت شهودی و خیالی از واقعیت دارای دو فرایند مختلف اند نه متشابه یکدیگر.

همچنین عبارت "در جهان هستی هر موجودی در طبیعت همان موجودات و چیزی بیشتر رنگی و طرحی و تصویری بیش از واقعیت..."، همانگونه که ذکر شد یک بیان ادبی و هنری است و تسری دادن آن به حکما و مؤلفین متون پزشکی چندان مستدل نمی باشد.

بیان "یکی از تجربی ترین علوم پزشکی یعنی پزشکی نیز تا چه حد در گیر هنر و تخیل بوده است" نشان از یک حد زیاد تا مرز کلیت تأثیر هنر و تخیل در پزشکی دارد که مغایر با اکثریت متون پزشکی کهن می باشد. البته در معدود کمی از متون، امور اوهامی و غیر واقعی بیان شده که نیاز به باز نگری داشته و مسأله ای جدا از هنر و خلاقیت ادبی است.

از سوی دیگر در مقاله بیان شده است که "تمام دایره المعارف ها و کتاب های پزشکی طبیعت را به سه گروه بزرگ جانوران، گیاهان و کانی ها تقسیم کرده اند." این مهم نیازمند نگرش محققانه و ژرف تری است؛ چراکه با مراجعه به یکی از منابع آن مانند لغت نامه دهخدا، کلمه "طبیعت" بالاخص در "اصطلاح پزشکی"³ و یا دیگر دایره المعارف ها و کتب پزشکی، مانند "طبیعات در فن ششم از کتاب شفای ابن سینا"⁴ به تعاریف دیگری از طبیعت بر می خوریم.

در عبارت "... عمده خواص داروئی که برای بسیاری از آنها در نظر گرفته شده است تا حد زیادی تحت تأثیر تصویر ادبی و هنری آن جانور بوده است" کاربرد لفظ تا حد زیادی در این عبارت، این معنی را به ذهن متبادر می نماید که اکثریت خواص داروئی داروهای برگرفته از منابع حیوانی ذکر شده در متون علمی و پرارزشی همچون قرابادین ها، ادویه مفرده و مرکبه که از متون کهن طب هستند تحت تأثیر تصاویر ادبی و هنری حکما و اطباء گذشته قرار گرفته اند و با تعمیم آن به خواص داروئی گیاهان و کانی ها این ذخائر با ارزش مورد سوال و تردید قرار می گیرد هر چند که ممکن است موارد بسیار معدودی نیاز به تحقیق و باز نگری داشته باشند.

در سخن آخر مقاله با بیان "بنابراین شگفت انگیز نیست که کارکرد سرچشمه های تصویر های خلاقانه و تخیل های رنگ آمیزی ادبی در نا خود آگاه ذهن طبیعت - حکیم - ادیب وارد شده و در تصمیم گیریهای صرفا علمی و پزشکی وی تأثیر نهاده می باشد" چنین برداشت می گردد که جنبه شاعرانه آثار تأیید گشته و البته مواردی از آنها نیز در متن مقاله ذکر شده است که این شاعران نام حکیم نیز داشته اند. این درحالیست که این آثار متعلق به افرادی است که دارای هویت ادبی بوده و دارای آثار برجسته ای در پزشکی کهن نبوده اند. البته نوشتار بسیاری از حکمای پزشک دارای ادبیات و صنایع ادبی خاص دوره تحریر خود بوده است به گونه ای که عده ای از حکمای پزشک ادیب نیز بوده اند. همان گونه که در مقاله به آن اشاره شده است.

همچنین متن عبارت "اما نکته این جاست که پزشک و حکیمی که در زمان گذشته چنین تجویز هائی را به صواب می دیده تا چه حد از کارکرد تخیل آمیز ذهن خود با خبر بوده" چون مصادیق متون آن ذکر نگردیده لذا این انتساب تخیل آمیز در تجویز حکما و پزشکان نامی گذشته همچون حکیم مومن تنکابنی، حکیم سید محمد حسین عقیلی و حتی حکیم ابو علی سینا و محمد بن ذکریای رازی که از پایه گذاران و حتی موسسین مکاتب علمی پزشکی کهن در تاریخ پزشکی بوده اند تا چه حد به صواب و صلاح علم پر فضیلت طب و تاریخ گسترده پزشکی می باشد جای بحث دارد.

References

Abdollahi M. *The impact of literal images in traditional medical texts.*

2- Khansari, 1965.

3- Dehkhoda, 2011.

4- Avicenna, 2007: 59.



Res Hist Med. 2012; 1(2): 41-6. [in Persian]

Avicenna. [*Ravanshenasi Shafā*]. Translated by Dana Seresht A. Tehran: Almaa'. 2007. [in Persian]

Dehkhoda A. *Persian encyclopedia of Dehkhoda*. Tehran: Tehran University. 2011. [in Persian]

Khansari M. [*Mantegh Soori Khansari*]. Tehran: Tehran University. 1965. [in Persian]





Eram Garden, Shiraz

WWW.RHM.IR